Archive of SID

فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی 81 / سال بیست و سوم، شمارهٔ چهارم / زمستان 1398
The Knowledge Studies in The Islamic University, 2020(Winter)81, Vol. 23, No.4

جایگاه عدالت در تحقق وحدت امت اسلامی با خوانش امیرالمؤمنین علی(ع) ◈

محمدرضا بهدار [1]
مهدی زارع [2]

چکیده

هدف: همواره شناسایی و تحلیل واقع‌گرایانهٔ عوامل دخیل در تحقق وحدت امت اسلامی، دغدغه و اهتمام مصلحان و متفکران مسلمان بوده است. هدف از این تحقیق، بازخوانی و تحلیل عالمانهٔ عوامل وحدت‌آفرین با خوانش شخصیت بی‌نظیری همچون امیرالمؤمنین(ع)، بود. ***روش:*** در این نوشتار با بهرمندی از کلام و سیرهٔ عملی امام علی(ع) به توصیف و تحلیل یکی از عوامل ایجاد وحدت؛ یعنی عدالت و راهکارهای آن پرداخته شد. ***یافته‌ها:*** در این تحقیق مؤلفه‌های وحدت‌زا حول محور عدالت ارزیابی شدند که عبارتند از: تشکیل حکومت عادلانه، برخورداری از قوانین عدالت‌محور، وجود حاکم عادل و ایجاد روحیهٔ عدالت‌پذیری در جامعه. ***نتیجه‌گیری:*** شهد شیرین وحدت از جام زلال عدل تراوش می‌کند و انتشار آن، جوامع و ملل را به سعادت و شیرین‌کامی می‌رساند.

واژگان کلیدی: امیرالمؤمنین علی(ع)، عدالت، عدل، امت واحده، وحدت اسلامی.

◈ دریافت مقاله: 97/09/20 ؛ تصویب نهایی 98/03/02 .

1. سطح 4 رشتهٔ تخصصی کلام اسلامی، استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی جندی‌شاپور دزفول(نویسنده مسئول)/ نشانی: دزفول؛ جاده اندیمشک- دزفول، روبه‌روی پایگاه چهارم شکاری، دانشگاه صنعتی جندی‌شاپور/ نمابر: 06142426666/ *Email: rbehdar@gmail.com*
2. سطح 4 رشتهٔ فقه و اصول، استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی جندی‌شاپور دزفول.

www.SID.ir

Archive of SID

الف) مقدمه

یکی از دغدغه‌های مهمی که توجه و اندیشهٔ متفکران و مصلحان جامعه اسلامی را به خود معطوف داشته، مسئلهٔ وحدت امت اسلامی است. با تدبّر در آموزه‌های دین اسلام و رهنمونهای پیام‌آوران آن، وحدت و یکپارچگی جامعه را امری محوری برای همهٔ آنها خواهیم یافت؛ زیرا وحدت در آموزه‌های اسلامی، رکن رکین تربیت اخلاق فردی و اجتماعی است. امام صادق(ع) می‌فرمایند: «مؤمن برادر مؤمن است، مانند پیکری واحد که هرگاه عضوی را دردی رسد، اعضای دیگر هم احساس درد کنند و [همین طور] ارواح آنان نیز از یک روح است»(کلینی، 1407، ج 2: 166). این عنصر در تارک دین آنچنان نمایان است که مخالفان اسلام نیز در مطالعات خود، بر این جایگاه واقف شده‌اند. رابرت هیوم انگلیسی می‌نویسد: «اگر تمام آموزه‌های اسلام را در هم بکوبیم و عصارهٔ آن را بگیریم، آن عصاره، وحدت است».(هیوم، 1372: 316 و 329)

متأسفانه از دیرزمان تا کنون، افراد و جریانهای داخلی و خارجی چه از روی علم و عمد و چه نادانی و سهو، با ایجاد موانع متعدد به این محور اصلی صدمه زده و آسیبهای سنگینی بر پیکرهٔ تنومند اسلام و مسلمین وارد کرده‌اند. بدین روی یکی از مهم‌ترین مسائلی که امروزه در رابطه با جوامع دینی ذهن هر انسان دردمندی را به خود مشغول می‌سازد، اختلاف میان جامعهٔ اسلامی است که از یک سو موجب عقب‌ماندگی کشورهای مسلمان و از سوی دیگر، عامل نفوذ و تسلط بیگانگان بر سرنوشت آنان شده است.

از طرفی، یکی از مباحث مهم در شناخت اسباب و ریشه‌های انسجام و اتحاد بین مسلمین، بحث عدالت و میزان اثرگذاری آن در ایجاد وحدت است؛ زیرا تا وقتی عوامل وحدت‌آفرین به درستی شناسایی نشوند، نمی‌توان راهکارهای نظری و عملی در این زمینه ارائه داد. نقش تعیین‌کنندهٔ عامل عدالت اجتماعی و اهمیت آن در اسلام تا بدان جاست که بعضی عالمان دینی معتقدند هیچ امری در اسلام نیست مگر اینکه هدفش تحقق عدالت در حیات اجتماعی بشر است(سبحانی، 1359: 409). شهید مطهری در همین باب می‌گوید: «کلام اسلامی بیش از هر چیزی به مسئلهٔ عدل پرداخت. فقه اسلامی قبل از هر چیزی مسئلهٔ عدل برایش مطرح شد و در جهان سیاست اسلامی بیش از هر کلمه‌ای، کلمهٔ عدل به گوش می‌خورد».(مطهری، 1372: 38)

امام علی(ع) بعد از نبی مکرم اسلام(ص) در میان حکمرانان تاریخ، بیشترین اهتمام را به حفظ وحدت امت اسلامی داشته است. ایشان در پاسخ به نامهٔ ابوموسی اشعری چنین مرقوم می‌فرمایند: «ابدان در امت اسلام هیچ کس وجود ندارد که به وحدت امت محمد و به انس گرفتن آنان به همدیگر از من دلسوزتر باشد»(نهج‌البلاغه، نامه 78). نیز آن حضرت نسبت به برپایی و نهادینه کردن عدالت در جامعه، چه در گفتار و چه در کردار، تلاش فراوان داشتند و به پیوند ناگسستنی این دو واقف بودند و از مقولهٔ عدالت برای تحقق امت واحده بهرهٔ فراوان بردند. عدالت امام علی(ع) در زمان حکومتش، در ابعاد مالی، سیاسی، اجتماعی و حقوقی به نهایت درجه تبلور پیدا کرد و بسیاری از سیاستمداران، عدالت او را برنتابیده، از او فاصله گرفته و

www.SID.ir

Archive of SID

در نهایت پرچم دشمنی را علیه او بلند کردند. حتی برخی از سران جامعه که با امام علی(ع) بیعت کرده بودند، به سبب عدالت‌ورزی ایشان، پیمان و بیعتها را شکستند و پرچمهای مخالفت را برپا کردند.(مکارم شیرازی، 1375، ج 1: 409)

از آنجا که دنیای پرتلاطم اسلام در فراز و نشیبهای حیات سیاسی و اجتماعی خویش، به سبب عواملی یا موانعی، نه تنها نتوانسته آن‌گونه که بایسته و شایسته است وحدت امت اسلامی و انسجام جوامع اسلامی را تحکیم بخشد، بلکه به عکس، رشد فزایندهٔ تفرقه و فتنه و جنگ و خونریزی بین مسلمین را شاهد بوده‌ایم؛ به همین منظور ضروری است همواره دین پژوهان، در جهت تبیین و شناسایی اسباب وحدت‌ساز امت اسلامی، همچون عدالت و امثال آن، تولیدات علمی قابل استفاده‌ای ارائه دهند. از این رو در این نوشتار، چگونگی و میزان اثرگذاری عنصر عدالت در تحقق امت واحدهٔ اسلامی در رهنمونهای حکیمانه و نورانی امیرالمؤمنین علی(ع) بازخوانی و واکاوی می‌شود. برای این مهم، بعد از ارائهٔ پیشینهٔ بحث، به مفهوم‌شناسی ماهیت عدالت و جایگاه آن از منظر امام(ع) اشاره‌ای مختصر می‌شود؛ سپس گفتمان ایشان در خصوص اینکه عدالت و شاخصه‌های آن چگونه می‌تواند در ایجاد و تحکیم امت واحدهٔ اسلامی تأثیرگذار باشد، بررسی می‌شود.

ب) پیشینه

مقولهٔ وحدت و مباحث پیرامون آن، پیشینه‌ای به قدمت زندگی بشر دارد. بشر آنگاه که روحیات و نیازهای اجتماعی خود را شناخت، فهمید که برای رفع نیازهای خود و دستیابی به رفاه و آرامش می‌بایست با دیگر همنوعان خود، همزیستی و همکاری و همدلی داشته باشد. این احتیاج سبب شد که در ادوار مختلف حیات بشری، آثار متنوعی توسط مکاتب مختلف فکری دربارهٔ وحدت و ابعاد نظری و عملی آن به رشتهٔ تحریر درآید. در جهان اسلام نیز شخصیتها و چهره‌های علمی- فرهنگی مسلمانان به منظور وحدت و همگرایی مسلمین، اقدامات علمی و فعالیتهای عملی زیادی ارائه کرده‌اند. برای نمونه، در دورهٔ معاصر می‌توان به تأسیس «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» در قاهره در سال 1327 و انتشار مجلهٔ «رساله الاسلام» اشاره کرد. در عرصهٔ نوشتاری نیز کتب و مقالات بسیاری به طور مستقل یا ضمن سایر مباحث دینی و فرهنگی به رشتهٔ تحریر درآمده است. بنابر این، به صورت عام در موضوع وحدت، آثار فراوانی وجود دارد که مجالی حتی برای بررسی اجمالی آنها وجود ندارد. اما با توجه به محوریت این تحقیق که وحدت امت اسلامی در گفتمان و سیرهٔ امام علی(ع) است، به اختصار برخی از کتب یا مقالات مرتبط معرفی می‌شوند.

کتاب «وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن و سنّت» نوشتهٔ سید محمدباقر حکیم؛ «وحدت جوامع در نهج‌البلاغه» برگرفته از سخنان حضرت آیت‌الله جوادی آملی(1386) که توسط سعید بندعلی گردآوری شده؛ «امام علی(ع) اسوهٔ وحدت» از محمدجواد شری با ترجمه محمدرضا عطایی؛ «وحدت در کلام و سیرهٔ

www.SID.ir

Archive of SID

امیرالمؤمنین» نوشتهٔ محمد برفی؛ «وحدت از منظر امام علی(ع)، ریشه‌ها و شیوه‌ها» نوشتهٔ ناهید طیبی. در این آثار ارزشمند به مقولهٔ وحدت و عوامل وحدت‌آفرین در بیان امیرالمؤمنین(ع) از منظرهای مختلف نگریسته شده، اما به عنصر عدالت و تأثیر آن در تحقق وحدت، به صورت مستقل پرداخته نشده است.

مسئلهٔ عدالت نیز از دیرباز جزء مهم‌ترین دغدغه‌های بشر بوده، ادیان الهی اجرای آن را از برترین اهداف خود دانسته‌اند و از چالشی‌ترین مباحث اندیشمندان علوم سیاسی و اجتماعی بوده است؛ لذا در این باره نیز کتابها و مقالات متعددی نگاشته شده است. با توجه به اینکه یکی از مؤلفه‌های این تحقیق، عدالت اسلامی در کلام و سیرهٔ امیرالمؤمنین علی(ع) است، از باب نمونه به ذکر سه اثر اکتفا می‌شود: کتاب «الامام علی صوت العداله الانسانیه» از جرج جرداق؛ «عدل و عدالت در نهج‌البلاغه» از سید ابراهیم سیدعلوی و مقالهٔ «ابعاد عدالت اجتماعی از دیدگاه امام علی(ع)» از حمید مولانا. اگرچه این آثار در نوع و سطح خود توانسته‌اند موضوع وحدت از دیدگاه اسلامی یا سیره و گفتمان عدالت علوی را بررسی و ذیل مباحث خود، دیدگاه امام(ع) را به صورت منفک در خصوص این دو مقوله بررسی کنند، اما تحقیق حاضر در صدد است با رویکرد تحلیلی و به صورت اختصاصی دیدگاه امام علی(ع) را دربارهٔ رابطه و نقش تأثیرگذار عدالت در ایجاد وحدت در امت اسلامی، پژوهش کند.

ج) جایگاه و مفهوم عدالت در نگاه امیرالمؤمنین(ع)

با آنکه کلمهٔ عدالت کاربرد فراگیری دارد، اما تعریف آن دارای فراز و نشیبهایی است که دستیابی به معنای واحد را برای آن مشکل کرده است. امام علی(ع) در توصیف عدل می‌فرمایند: «الْعَدْلُ الْإِنْصَافُ»(نهج‌البلاغه، حکمت 231). به استناد همین توصیف، در تعریف لغوی عدل گفته شده: «العدل: الانصاف و هو اعطاء المرء ماله و اخذ ما علیه»(مصطفی ابراهیم و همکاران، 1429، ج 2: 594)؛ عدل یعنی انصاف و اینکه به هر فرد آنچه اختصاص به او دارد، بدهی و از او هر آنچه باید گرفت، بگیری. حضرت در توصیف دیگری از عدل می‌فرمایند: «عدالت آن است که هر چیزی در جای خودش قرار گیرد»(نهج‌البلاغه، حکمت 437؛ مجلسی، 1403، ج 7: 350). برخی این جمله را بدین صورت معنا کرده‌اند که: عدالت آن است که حق هر صاحب حقی داده شود.(هاشمی خویی، 1400، ج 1: 46؛ مطهری، 1372: 62-59)

علامه طباطبایی در توضیح، تشریح و تعیین مصداق این کلام نورانی می‌گوید: «معنای اصلی عدالت، اقامهٔ مساوات میان امور است به اینکه به هر امری آنچه سزاوار است بدهی تا همهٔ امور مساوی شود و هر یک در جای واقعی خود که مستحق آن است قرار گیرد. پس عدالت در اعتقاد این است که به آنچه حق است، ایمان آوری و عدالت در عمل فردی آن است که کاری کنی که سعادتت در آن باشد و کاری که مایهٔ بدبختی است، به خاطر پیروی هوای نفس انجام ندهی و عدالت در مردم و بین مردم این است که هر کسی را در جای خود که به حکم عقل یا شرع یا عرف مستحق آن است قرار دهی. نیکوکار را به خاطر

www.SID.ir

Archive of SID

احسانش احسان کنی و بدکار را به خاطر بدی او عِقاب نمایی و حق مظلوم را از ظالم بستانی و در اجرای قانون تبعیض قائل نشوی».(طباطبایی، 1417، ج 12: 331)

به جرأت می‌توان گفت که کامل‌ترین تعریف از عدالت، در رفتار و سیرهٔ امام علی(ع) آمده است؛ زیرا آن حضرت با جامع‌نگری تمام، عدالت را صرفاً در قالب اخلاق انسانی و تعاریف معمول بشری خلاصه نکرده، بلکه آن را در همهٔ شریانهای حیات آدمی، اعم از سیاست، فرهنگ، حقوق فردی و اجتماعی، اقتصاد و ... جاری و ساری می‌داند. آن حضرت در کلامی عالمانه و جامع‌نگر می‌فرمایند: «عدل بر چهار شعبه است: بر درکی ژرف‌نگر، دانشی محققانه، قضاوتی نیکو و استواری در بردباری»(نهج‌البلاغه، حکمت 31)، حضرت، دو شعبه از عدالت را به عرصهٔ نظری و بینشی انسان و دو شعبهٔ دیگر را به جنبه‌های عملی و رفتاری او مربوط می‌دانند. بدین ترتیب در نگرش ایشان، تعریف عدالت صرفاً در دایرهٔ رفتار و عمل انسان محصور نیست و بنیادهای اصلی آن به اندیشه و تعقل آدمی مربوط است. امام(ع) معتقد است که عدالت فقط وقتی ارزشمند و دارای اعتبار است که به عنوان رویکردی مقطعی و عارضی در رفتار انسان ظهور و بروز پیدا نکند، بلکه به ملکه‌ای نفسانی در نگرش و رفتار انسان تبدیل شود: «اَلْعَدْلُ اَفْضَلُ سَجِیَّه».(تمیمی آمدی، 1410: 54)

به هر روی، امام(ع) با نگاهی ژرف و جامع به مفهوم عدالت و کاربردهای آن، عدالت را چنین تبیین می‌فرمایند: گذاشتن امور در جایگاه خویش(حکمت 437)، انصاف داشتن(حکمت 231)، فهم عمیق و نیکو داوری کردن(حکمت 31)، رعایت تساوی و برابری در مواضعی که استحقاقهای متساوی باشد(خطبه 126)، متهم ندانستن خدا(حکمت 470) و تدبیر امور عمومی مردم(حکمت 437).

د) شاخصه‌های عدالت در ایجاد وحدت

1. حکومت مبتنی بر عدل

حکومت لازمهٔ زندگی اجتماعی و حیات جمعی است و انکار آن، در حقیقت نفی زندگی اجتماعی است و نفی زندگی اجتماعی، به معنای نابودی و هلاکت نوع بشری است؛ چنان که حضرت امیر(ع) در پاسخ به شبهه‌افکنی خوارج که شعار «لا حکم الا لله» سر می‌دادند، می‌فرمایند: «گفتار حقّی است که باطل به آن اراده شده. آری حکمی نیست مگر برای خدا، ولی اینان می‌گویند: زمامداری مخصوص خداست. جامعه ناگزیر باید حاکمی نیک یا بد داشته باشد، که در سایهٔ فرمانروایی‌اش مؤمن به مقتضای ایمانش عمل کند و کافر نیز از زندگی بهرهٔ خودش را ببرد».(نهج‌البلاغه، خطبهٔ 40)

مهم‌ترین هدف از تشکیل حکومت در یک جامعه، ایجاد یکپارچگی و انسجام میان ارکان و اجزای آن و جلوگیری از هرج و مرج و بی‌نظمی در آن است. از این رو، همهٔ عقلای عالم نفس تشکیل حکومت را از ضروریات جوامع بشری می‌دانند. بدون تشکیل حکومت و بدون دستگاه اجرا و اداره، که همهٔ جریانات و

www.SID.ir

Archive of SID

فعالیتهای افراد را از طریق اجرای احکام تحت نظام عادلانه درآورد، هرج و مرج به وجود می‌آید و فساد اجتماعی و اعتقادی و اخلاقی پدید می‌آید. پس، برای اینکه هرج و مرج و عنان‌گسیختگی پیش نیاید و جامعه دچار فساد نشود، چاره‌ای نیست جز تشکیل حکومت و انتظام بخشیدن به همهٔ اموری که در کشور جریان می‌یابد(امام خمینی، 1388: 27). حال اگر این حکومت اسلامی باشد و از مبانی دینی و ارزشهای الهی همچون عدالت سرچشمه بگیرد، به مراتب در تحقق جامعه‌ای متحد و منسجم، مؤثرتر و کارامدتر است.

مکتب اسلام با الهام از آیات قرآن و روایات پیشوایان دینی، به منظور انسجام جوامع اسلامی و جلوگیری از تشتّت و تفرقه، بر اقامهٔ عدل و قسط در جامعهٔ انسانی تأکید دارد و هدف از بعثت انبیا را تحقق عدالت اجتماعی می‌داند و بر عدالتخواهی در همهٔ ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی پافشاری می‌کند. برای نمونه، قرآن کریم(حدید: 25) فلسفهٔ تشکیل حکومتها و بعثت انبیا را اقامهٔ قسط و عدل و حل اختلافات گوناگون بین مردم دانسته است.

امیرالمؤمنین(ع) ضمن برشمردن حقوق الهی و حقوق مردم، بزرگ‌ترین حقوق متقابل را حق حکام و حکومت بر مردم و حق مردم بر حکومت می‌دانند. ایشان نحوهٔ تعامل حکومت و مردم و نیز آثار مثبت و منفی این تعامل را چنین تبیین می‌فرمایند: «مردم هرگز توفیقی در اصلاح امور نخواهند داشت مگر در سایهٔ حکومت و هرگز حکومت به صلاح نخواهند آمد، مگر تودهٔ ملت استوار و با استقامت شوند. هرگاه تودهٔ ملت به حقوق حکومت وفادار باشند و حکومت حقوق مردم را ادا کند، آن وقت است که حق در اجتماع، محترم و حاکم خواهد شد؛ ارکان دین به پا خواهد خاست و راههای دین، پدیدار و نشانه‌های عدالت برقرار خواهند شد. اما هرگاه حکومت و حاکم بر رعیّت ستم کند، وحدت کلمه از بین می‌رود و نشانه‌های ستم، آشکار و افساد و اختلال در دین زیاد شود»،(نهج‌البلاغه، خطبهٔ 216)

در نگاه علی(ع)، حکومتی که زیرساختهای اولیهٔ آن بر اساس عدالت پایه‌ریزی شده باشد، نصرت الهی را به دنبال خواهد داشت و دشمنان را از اینکه نتوانسته‌اند جامعه را به تشتّت و اضمحلال بکشانند، ناامید می‌کند: «هنگامی که حکومت بر پایه‌های عدل و پشتوانه‌های عقل قرار گیرد، خداوند دوستان چنین حکومتی را یاری و دشمنانش را خوار می‌کند»(تمیمی آمدی، 1410: 289). همچنین ایشان معتقد است، پایداری حکومتها و دولتها به هزینه کردن در اجرای عدالت است: «پایداری دولتها به عدالت‌ورزی آنهاست»(همان: 335). پس میزان ثبات و تداوم هر حکومتی، به میزان اجرای عدل در آن بستگی دارد: «اعدل تدوم لک القدره»(لیثی واسطی، 1376: 83) و همچنین، زیبایی حکومت به رعایت عدالت است: «زیّن الملک العدل»،(تمیمی آمدی، 1410: 391)

امام علی(ع)که خود حاکم جامعهٔ اسلامی است، با اینکه حکومت و زعامت را به عنوان یک مقام دنیایی و هدف زندگی، سخت تحقیر می‌کند و آن را مانند سایر مظاهر مادی دنیا، از آب بینی بزغاله‌ای بی‌مقدارتر می‌شمارد(نهج‌البلاغه، خطبهٔ 3؛ مفید، 1413/ب، ج 1: 289)، اما همین حکومت را در مسیر اصلی خود؛ یعنی

www.SID.ir

Archive of SID

به عنوان وسیله‌ای برای اجرای عدالت، گرفتن حق و خدمت به اجتماع، مقدس می‌شمارد و مانع دست یافتن حریف و رقیب فرصت‌طلب به آن می‌شود و از شمشیر زدن برای حفظ و نگهداری‌اش از دستبرد چپاولگران دریغ نمی‌ورزد(مطهری، 1374: 106)؛ لذا می‌فرماید: «خدایا تو می‌دانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت و حکومت و دنیا و ثروت نبود، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های حق و دین تو را به جایگاه خویش بازگردانیم و در سرزمینهای تو اصلاح را ظاهر کنیم، تا بندگان ستمدیده‌ات در أمن و أمان زندگی کنند و قوانین و مقررّات فراموش‌شدهٔ تو بار دیگر اجرا شود».(نهج‌البلاغه، خطبهٔ 131)

ایشان در خطبهٔ 192، از جمله رهاوردهای تشکیل حکومت اسلامی توسط پیامبر اسلام(ص) را اتحاد بین مردم دانسته‌اند؛ زیرا اسلام وحدت ظاهری و اتحاد تصنّعی را از میان برداشته و وحدت واقعی و اتحاد حقیقی را جایگزین آن ساخته است. به همین سبب، ملاک و معیارش برای اتحاد افراد جز آن چیزی است که حکومتها تدارک دیده‌اند. ملاک اتحاد در حکومت عادلانهٔ اسلام، اعتقاد دینی و پایبندی به آن است. بنابر این، زبان و نژاد و رنگ و زمین و قومیت که از عوامل اختلاف‌اند و بیشتر به تشدید تفرقه می‌انجامند، در اسلام محور وحدت نیستند؛ زیرا همهٔ این عوامل، امور اعتباری و قراردادی‌اند که حکومتهای غیر اسلامی آنها را بنا کرده‌اند. اسلام این امور اعتباری را ملغا و امور حقیقی را به جای آن امضا کرده است. بی‌تردید، عاملِ اصلی پیدایشِ امور اعتباری و انشعابات ظاهری، حکومتهای دیکتاتور مآبانه و دولتهای استعماری‌اند که برای سیطرهٔ خود به این کار دست زده و شعار «فَرِّقْ تَسُدْ»(تفرقه بینداز و حکومت کن) را حاکم می‌کنند.(ر.ک: جوادی آملی، 1391: 255-254)

نامهٔ امام علی(ع) به مالک اشتر(نهج‌البلاغه، نامه 53) ترسیم‌کنندهٔ بهترین الگو از حکومت اسلامی و عادلانه‌ای است که با برخورداری از عوامل و مؤلفه‌های کارامدی همچون: قوانین و برنامه‌های عدالت‌محور، حق‌مداری و شایسته‌گزینی در مدیریتها، احترام به حقوق مردم، نظارت منطقی و مداوم در حوزهٔ مدیریت، قضاوت و داوری عادلانه و ... می‌تواند در همگرایی و انسجام مردم دخیل باشد. لذا اگر حکومتی بر پایهٔ حق و عدالت بنا نشده باشد و ارکان قانونگذاری، اجرایی و قضایی‌اش عدالت‌محور نباشد، بلکه اهداف و سیاست و خط مشی‌اش ظالمانه و دیکتاتورمآبانه باشد؛ طبیعی است که تبعیض و تشتّت و اختلاف در آن جامعه شدت می‌گیرد؛ زیرا ذیل چنین حکومتی، از رهبران گرفته تا قانونگذارن و مجریان و قُضات وکارگزاران ناعادل، به دنبال تأمین منافع فردی و ارضای اغراض دنیوی خود خواهند بود و همین، سبب به استضعاف کشیدن دیگران، هرج و مرج، محرومیتها و تبعیضها می‌شود.

بنابر این، در بینش الهی امام علی(ع)، حکومت اسلامی که اساس‌اش بر اهداف و مؤلفه‌هایی چون: حق‌محوری، عدالت اجتماعی، توجه به محرومان و طبقات پایین جامعه، مبارزه با تبعیض و فقر و رفع شکاف طبقاتی باشد، نقش مؤثری در ایجاد وحدت و یکپارچگی امت و به سامان رسیدن امور جامعه دارد.

www.SID.ir

Archive of SID

2. قوانین عدالت‌محور

قانونگذار اصلی در نظام الهی، ذات اقدس الهی است که علم محض، حکمت صرف و قدرت مطلق دارد. همچنین در این نظام، آورنده و مبیِّن و مفسّر آن، انسان کاملِ معصوم و مصون از سهو و خطاست که سودجو نیست تا به نفع فرد یا گروهی قانون را تفسیر و تبیین و اجرا کند(جوادی آملی، 1389: 88). در این نظام عادلانهٔ منطبق بر قوانین الهی، همهٔ مردم برابر و بسان دندانه‌های شانه‌اند: «الناس سواء کأسنان المشط»(ابن شعبه حرانی، 1404: 368). نه زبردستان بر زیردستان برتری دارند، نه عرب بر عجم امتیازی دارد: «و لیس لعربی علی عجمی فضل إلاّ بالتقوی»(ابن ابی‌الحدید، 1404، ج 1: 128)؛ چه اینکه پیام‌آور این قوانین نیز برای سفید و سیاه و سرخ یکسان فرستاده شده است: «أُرسلت إلی الأبیض و الأسود و الأحمر».(مجلسی، 1403، ج 89: 14)

امیرالمؤمنین علی(ع) بهترین تدبیر را برای ادارهٔ حکومت، رعایت عدالت می‌دانند: «خیر السّیاسات العدل»(تمیمی آمدی، 1410: 354) و اساس حکومت خود را بر قوانین عدل‌محور الهی قرار داده و آن را تکلیف خود در قبال مردم دانسته‌اند: «حقی که شما به گردن ما دارید، عمل کردن به کتاب خدا و سنّت پیامبر و قیام به حق و برپاداشتن سنّت اوست»(نهج‌البلاغه، خطبهٔ 169). لذا در مناسبات مختلف، شرط پذیرش خلافت و رهبری جامعهٔ اسلامی را در ادارهٔ مدیریت جامعه، حاکم کردن قوانین کتاب الهی و عمل به سیره و سنّت نبوی دانسته‌اند. در ماجرای شورای شش نفره‌ای که عمر برای تعیین خلیفهٔ بعد از خود مشخص کرده بود، عبدالرحمن بن عوف یکی از اعضای شورا پس از سه روز رایزنی با مردم، به ویژه اشراف و امرا، ابتدا از علی(ع) خواست تا متعهد شود در صورت نیل به مقام خلافت، به کتاب خدا، سیرهٔ پیامبر(ص) و ابوبکر و عمر عمل کند. علی(ع) در جواب گفتند: «امید آن دارم که در محدودهٔ دانش، توانایی و اجتهاد خود به کتاب خدا و سنّت رسول خدا(ص) عمل کنم».(ابن ابی‌الحدید، 1404، ج 1: 188؛ طبری، بی‌تا، ج 4: 233، 238)

ایشان در فرمایش به مالک اشتر، از او می‌خواهد برای ادای طبقات پایین‌دست معیار عمل را کتاب خدا و سنّت پیامبر قرار دهد: «خداوند برای هر یک (از طبقات پایین جامعه) سهمی مقرر فرموده و مقدار واجب آن در قرآن و سنّت پیامبر تعیین فرموده که پیمانی از طرف خداست و نگهداری آن بر ما لازم است»(نهج‌البلاغه، نامهٔ 53). همچنین در فقره‌ای دیگر از همین نامه که به تعبیر سید رضی تمام زیبایی‌های دیگر نامه‌ها را در خود جمع کرده است؛ توصیه می‌فرمایند: «جایی که کارها بر تو مشکل شود و در اموری که برایت شبهه حاصل شود، حل آن را به خدا و پیامبرش ارجاع ده، که خداوند به مردمی که هدایتشان را علاقه داشته، فرموده است: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا و پیامبر و اولی‌الامر از خودتان، را اطاعت کنید و اگر در برنامه‌ای اختلاف کردید، حکمش را به خدا و رسول بازگردانید. بازگرداندن به خدا، قبول آیات محکم او، ارجاع به رسول و پذیرفتن سنّت اوست که جمع‌کنندهٔ همگان بر یک رأی است و پراکنده نیست».(همان)

www.SID.ir

Archive of SID

امیرالمؤمنین(ع) در سیرهٔ عملی خویش، التزام به تقوای الهی و پایبندی به حدود الهی را که آثاری چون وحدت و همدلی امت اسلامی بر آن مترتب است، بر خود فرض دانسته، از اتخاذ هر تصمیم و ارتکاب هر عمل مغایر با قوانین عادلانه، اجتناب می‌فرمودند تا به انسجام جامعهٔ مسلمین خللی وارد نشود.(همان، خطبهٔ 200)

از جنبه‌های بارز در سیمای حکومتی امام علی(ع) که به خوبی توانست زمینه را برای وحدت‌بخشی بین تمامی مردم و اصناف فراهم آورد، برابری همگان در برابر قانون و لزوم استفاده و بهره‌مندی عادلانهٔ همگان از سرمایه‌های ملی است. در نظام عدل علوی، هیچ یک از مسئولان عالی‌رتبه حق ندارند برای خود امتیازات ویژه قائل شوند. شیوهٔ عدل علی(ع) در ابتدای حکومتشان، همگان را متعجب ساخت؛ چون تمام اموال و ثروتهای کلانی را که از سوی خلفای پیشین به اشخاص بخشش و عطا شده بود، به طور کلی مصادره کردند. بی‌تردید یکی از مضرّات عدم توجه به این مهم، می‌تواند ایجاد تفرقه و انشقاق بین آحاد جامعه باشد. این روشهای قانونی عدالت‌خواهانه به مذاق خیلی‌ها خوشایند نبود؛ زیرا با منافع و ثروتهای بادآوردهٔ آنان کاملاً در تضاد بود. امام در دومین روز حکومت خود و در اولین سخنرانی بعد از بیعت مردم، از تساوی حقوق سخن گفتند و مهاجرین و انصار را با مسلمانان متأخر و حتی تازه‌مسلمانان، در حقوق و حدود برابر دانسته، فرمودند: «مال از آن خداوند است و بین شما به تساوی تقسیم می‌شود. هیچ کس در این تقسیم بر دیگران برتری ندارد و برای متّقین در روز قیامت بهترین اجر و ثواب خواهد بود»(ابن ابی‌الحدید، 1404، ج 7: 37). اجرای تساوی در تقسیم بیت‌المال آن قدر برای مردم عرب و حتی غیر عرب عجیب و غیر منتظره بود که حتی ام هانی، خواهر امیرالمؤمنین(ع) وقتی متوجه شد سهم او از بیت‌المال با سهم کنیز عجمی‌اش یکسان مقرر شده، با عصبانیت نزد امام رفت و به او اعتراض کرد و امام نیز پاسخ داد که در قرآن، برتری عرب را بر عجم ندیده است.(جعفریان، 1376: 70)

حضرت علی(ع) به منظور جذب حداکثری مردم بر محور دین اسلام، معیارهای کلی را معرفی می‌کنند تا ملاکهای غیر منطقی سبب طرد و جدایی افراد نشود: هر که به سوی قبلهٔ ما روی کند و ذبایح ما را بخورد و به پیامبر ما ایمان آورد و به آنچه ما شهادت می‌دهیم گواهی دهد، در دین ما داخل شده و ما بر او حکم قرآن و حدود اسلام را اجرا می‌سازیم. هیچ‌کس بر دیگری برتری ندارد، مگر به تقوا. بدانید که برای پرهیزگاران نزد خداوند برترین پاداش و بهترین جزا و نتیجه است.(کلینی، 1407، ج 1: 361؛ مجلسی، 1403، ج 65: 292)

تحقق اتحاد میان مسلمانان با نفی تفکر اصالت قومی و نژادی و طردِ اندیشهٔ عصبیت‌محوری، مقدور و میسور است؛ زیرا عصبیت قومی و تفاخر جاهلی، مهم‌ترین مانع اتحاد اعراب صدر اسلام بود که سبب شد پیامبر اسلام(ص) برای جلوگیری از تداوم آن در وصیتنامه‌اش به حضرت امیرمؤمنان(ع) بدان تأکید ورزد: «ای علی! خداوند تبارک و تعالی با اسلام، نخوت، تکبر و تفاخر جاهلی را از میان برداشته است. آگاه باش که انسانها همه از آدم‌اند و آدم از خاک و بزرگوارترین آنان نزد خداوند پرهیزگارترین آنهاست»(صدوق،

www.SID.ir

Archive of SID

1413، ج 4: 363). وحدت و برادری با دینداری، حَسَب و نَسَب با اخلاق دینی و کرامت با پرهیزگاری ارزیابی می‌شود. توحید، بیان رسای اتحاد مسلمانان در همهٔ زمینه‌ها و پدیدآورندهٔ الفت دلها میان موحّدان در همهٔ عرصه‌هاست. در فرهنگ اسلامی، همهٔ انسانها به لحاظ اعتقاد و ایمانشان به خدا، با هم برادرند و بر همین اساس، ملاک تنظیم روابط اجتماعی بر مبنای ایمان و تقوای الهی استوار است. پس تنها قوانین عادلانهٔ مکتب اسلام است که می‌تواند روابط جوامع بشری را انسجام دهد و آن را به رشد و شکوفایی واقعی‌اش برساند.(جوادی آملی، 1391: 360-359)

پرواضح است که این حجم از تأکیدهای گفتاری و رفتاری امیرالمؤمنین(ع) بر پایبندی به قوانین عدالت‌محور الهی و نبوی، به منظور مبارزه با معیارها و مؤلفه‌های وحدت‌ستیز و تفرقه‌افکنانه، همچنین احقاق حقوق آحاد جامعه است تا هم از دفع و طردهای سلیقه‌ای افراد از جامعهٔ مسلمین جلوگیری کند، هم حق افراد تضیع نشود و تبعیض طبقاتی و نژادی اتفاق نیفتد. پس بستری این‌چنین که قوانین عادلانه‌اش از شارع و کتاب واحد و مفسّر معصوم نشأت می‌گیرد، وحدت‌آفرین است؛ زیرا وضع و اجرای قوانینش، بر اساس برابری و مصالح عمومی نوع بشر مبتنی است و امتیازات فردی، اعم از نژاد و مقام و ثروت، تأثیری در آن ندارد.

3. حاکم عدالت‌گستر

رکن رکین هر حکومتی، حاکم آن است؛ زیرا بدون وجود حاکم، هیچ‌گاه حکومتی برپا نمی‌شود. ضرورت این معنا در حکومتی که بنا دارد بر مدار عدالت سیر کند، مضاعف است؛ زیرا تحقق حداقلها و ابتدایی‌ترین مؤلفه‌های عدالت، نیازمند وجود حاکمی عادل و عدل‌گستر است. بدون تردید اولیای الهی و منتخبان حق تعالی برای هدایت و سرپرستی مردم، برخوردارترین انسانها از چنین وصفی‌اند. سیرهٔ رسول رحمت(ص) به عنوان مؤسس و اولین حاکم حکومت اسلامی، همواره مبتنی بر اتحاد و یکپارچگی میان همهٔ انسانها، به ویژه مسلمین بوده است. «قرنها پدید آمد و روزگاران سپری شد؛ پدران رفتند و فرزندان جای آنها را گرفتند، تا اینکه خدای سبحان برای وفای به وعدهٔ خود و کامل گردانیدن دوران نبوت، حضرت محمد(ص) را به پیامبری برگزید... در روزگاری که مردم روی زمین، دارای مذاهب پراکنده، خواسته‌های گوناگون و روشهای متفاوت بودند»(نهج‌البلاغه، خطبهٔ 1). مشی سیاسی- اجتماعی امام علی(ع) به عنوان حاکم عدالت‌گستر نیز بر همین پایه استوار بود و به منظور حفظ همدلی و یکچارچگی امت اسلامی تا آنجا که زمینه و فرصت فراهم شد، به غایت جهد کوشیدند و در ایجاد تحول بنیادین و تصحیح نگاه و رویکرد افراد جامعه نسبت به ضرورت وحدت تلاش وافر کردند؛ تا آنجا که به سبب مصالح امت اسلامی، در مقطعی با خانه‌نشینی، سکوت و تحمل محنتهای فراوان مانع از بیشتر شدن شکاف و اختلاف میان مسلمین شدند: «پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه‌تر دیدم. پس صبر کردم؛ در حالی که

www.SID.ir

Archive of SID

گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می‌نگریستم که میراث مرا به غارت می‌برند».(همان، خطبهٔ 3)

این اهتمام از امیرالمؤمنین(ع) بدین سبب است که در بینش الهی ایشان، حاکم حکومت اسلامی، نقش مؤثری در ایجاد وحدت و یکپارچگی امت دارد: «نقش زمامدار نسبت به ملت، مانند رشته‌ای است که مُهره‌ها را گرد آورده و به یکدیگر پیوند می‌دهد. اگر رشته بگسلد، دانه‌ها از هم می‌پاشند و به تمامی گرد نمی‌آیند»(همان، خطبهٔ 146). امیرالمؤمنین(ع) نقش محوری خود را به عنوان رهبر جامعه برای تحقق انسجام مسلمین چنین معرفی می‌فرمایند: «واقعیت جز این نیست که من قطب آسیابم. چرخهای کشور باید بر محورم هماره بچرخد و من در جای خویش ثابت بمانم. اگر لحظه‌ای من جایگاهم را رها کنم، مدارش سرگردان می‌شود و سنگ زیرین آن به لرزش می‌گراید».(همان: خطبهٔ 119؛ هاشمی خویی، 1400، ج 8: 103)

امام علی(ع) خود را میلهٔ وسط آسیابی می‌داند که سنگ آسیاب به دور آن باید بچرخد. اگر در جامعه‌ای قرار باشد محور اجتماعی وجود داشته باشد، آن محوریت از آنِ حاکم الهی به عنوان امام و مقتدای مسلمانان و مظهر عدل است: «أَنَّ مَحَلِّی مِنْهَا مَحَلُّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَی»(نهج‌البلاغه، خطبهٔ 3). بنابر این، امام همان قطبی است که آسیاب جامعه بی آن، راکد است و جامعهٔ راکد، گرفتار تشتّت و سیر قهقرایی خواهد بود.(جوادی آملی، 1386: 53)

بی‌شک ایشان در مقام بیان شخصیت حقوقی خویشتن؛ یعنی مقام امام و ولی است، نه بیانگر شخصیت حقیقی خود. از این رو، همهٔ ائمه(ع) قطب و محور آسیاب‌اند و هستی و آفرینش بر مدار ایشان می‌چرخد و دلها را به یک هدف و یک عقیده و پیمان متحد می‌کنند. حضرت دربارهٔ نقش وحدت‌آفرینی امام زمان(عج) می‌فرمایند: «بدانید آن کس از ما که فتنه‌های آینده را دریابد، با چراغی روشنگر در آن گام می‌نهد و بر همان سیره و روش پیامبر(ص) و امامان(ع) رفتار می‌کند تا گره‌ها را بگشاید، بردگان و ملتهای اسیر را آزاد سازد، جمعیتهای گمراه و ستمگر را پراکنده و حق‌جویان پراکنده را جمع‌آوری کند»(نهج‌البلاغه، خطبهٔ 150). در جایی دیگر می‌فرمایند: «من در میان شما همچون چراغ در تاریکی‌ام که هر کس به سوی آن روی آورد و کنارش بنشیند، از نورش بهره می‌گیرد»(همان: خطبهٔ 3). تعبیر محور آسیاب و چراغ هدایت برای امام، برای آن است که حفظِ رشد و بالندگی جامعه به اتحاد است و اتحاد، از یک‌سو در پرتو معرفت و از سوی دیگر با کوشش و حرکت ممکن خواهد بود؛ زیرا انسان، یک بعد گزارش علمی دارد و یک بخش گرایش عملی؛ چنانکه جامعه نیز که متشکّل از انسانهاست، چنین است. اگر اندیشه و حرکت جامعه سالم باشد، طبعاً دارای وحدت و انسجام خواهد بود. از این رو، امام معصوم(ع) محوری است که هم چراغ هدایت برای معرفت و بینش جامعه است و هم قطب آسیاب حرکت آن.(جوادی آملی، 1386: 56)

www.SID.ir

Archive of SID

بی‌تردید انسجام و حفظ وحدت اجتماعی و امنیت عمومی در گرو نوع هدفگذاری، قانونگذاری، برنامه‌ریزی، برخوردها و رفتارهای عادلانهٔ حاکمان است و به عکس، تفرقه و جدایی، اختلاف گروهی و ملی و تشنّجات اجتماعی، از ظلم و بی‌عدالتی حاکمان در سیاستگذاری‌ها و تمشیت ناعادلانهٔ امور جامعه برمی‌خیزد. عدل و دادگری از سوی حاکمان و کارگزاران، نه تنها باعث قوام و استمرار اجتماع انسانی است و نوع آنها را گرد هم آورده، بلکه برترین عامل نگهدارندهٔ حکومتها و دولتهاست: «مَنْ عَمِلَ بالعدلِ حَصَّنَ اللهُ مُلْکَهُ»(تمیمی آمدی، 1410: 633)؛ «أالعدل قوام الرعیّه و جمال الولاه»(همان: 108)؛ «دین را پناهگاه و عدل را اسلحهٔ خود قرار بده تا از هر بدی نجات یابی و بر هر دشمنی پیروز شوی».(همان: 145)

البته مسلّم است که برای حفظ وحدت جامعهٔ اسلامی، هر رهبری با هر خصلتی، مدّ نظر حضرت علی(ع) نیست. ایشان در خطاب به مالک اشتر، یکی از ویژگی‌های بارز رهبر عادل و الهی را دوری از دنیازدگی ذکر فرموده‌اند(نهج‌البلاغه، نامهٔ 46). در خطبهٔ 131 فهرست‌وار به صفات سلبی‌ای اشاره می‌فرمایند که نباید حاکم ممدوح آنها را داشته باشد. همچنین در نامهٔ 25 به صورت جزیی و مصداقی به برخی ویژگی‌های کارگزاران حکومت اسلامی دستوراتی اشاره می‌فرمایند که همگی مستقیم یا غیر مستقیم ریشه در عدالت دارند.

پس در منظر امام(ع) برای ایجاد یکپارچگی در جامعه و نمایندن وحدت و انسجام عمومی می‌بایست حاکمی برخوردار از صفات پسندیده در رأس حکومت باشد که سرآمد آنها عدالت است؛ بدین معنا که هم خود عادل باشد هم نسبت به اقامهٔ عدل در همهٔ امور جامعه نهایت اهتمام را داشته باشد؛ چه اینکه خود آن حضرت برای اجرای عدالت و احقاق حق مظلومان، روزها در کوچه‌ها قدم می‌زدند و در هوای گرم و سوزان به دنبال درمان درد بیچارگان می‌گشتند.(مفید، 1413/الف: 157)

از طرفی، پیروی آحاد جامعه از فرامین رهبر الهی عادل، سبب یکپارچگی امت حول محور اصول و ارزشهای دینی شده، از اضمحلال نیروها و سرمایه‌ها جلوگیری می‌کند. نزول آیهٔ «واعتصمو بحبل الله...» نمونهٔ بسیار روشن و آشکاری است که اختلافات در سایهٔ نعمت الهی رسالت نبی مکرم اسلام(ص) خاموش شد و سالهای طولانی کینه و دشمنی میان قبایل، جای خود را به برادری و صمیمیت بخشید؛ به گونه‌ای که قرآن کریم این صمیمیت و برادری و حلاوت میان دو قبیلهٔ اوس و خزرج را به عنوان «نعمت» بزرگ به رخ مسلمانان می‌کشد و هشدار می‌دهد که این نعمت را از یاد نبرند(آل عمران: 103). امیرالمؤمنین(ع) دربارهٔ برکات وجودی پیامبر(ص) می‌فرمایند: «به برکت وجودش، خداوند کینه‌ها را دفن کرد و آتش دشمنی‌ها را با او خاموش ساخت و به واسطهٔ وجود او، در میان دلها اُلفت افکند».(نهج‌البلاغه، خطبه 96)

بر این اساس، تا زمانی که رسول خدا(ص) به عنوان رهبری پاک و عادل در قید حیات بودند و مسلمانان از وجود با برکت ایشان نفع می‌بردند، اختلافی که باعث نگرانی و هراس شود، در میان مسلمانان

www.SID.ir

Archive of SID

وجود نداشت؛ زیرا در هر موردی که دچار اختلاف می‌شدند، به رسول خدا(ص) مراجعه می‌کردند و حضرت، نزاعها را طبیبانه برطرف می‌کردند. قرآن کریم به صراحت از پیامبر(ص) به عنوان محور وحدت و رفع اختلاف امت یاد کرده است: «پس هر گاه در امری اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به (کتاب) خدا و (سنّت) پیامبر عرضه بدارید. این بهتر و نیک‌فرجام‌تر است»(نساء: 59). لذا امام علی(ع) می‌فرمایند: «خداوند با مبعوث کردن پیامبر، شکافهای اجتماعی را به وحدت، اصلاح و فاصله‌ها را به هم پیوند داد و پس از آنکه آتش دشمنی‌ها و کینه‌های برافروخته در دلها راه یافته بود، میان خویشاوندان یگانگی برقرار کرد».(نهج‌البلاغه، خطبهٔ 231)

حاصل آنکه، داشتن جامعه‌ای متحد و امتی یکپارچه، مرهون آن است که اولاً، آن جامعه از رهبری عادل و عدل‌گستر برخوردار باشد تا با تعالیم توحیدی و هدایت الهی خویش، جامعه را برای نیل به اهداف عالیهٔ واحد سوق دهد؛ ثانیاً، مردم گِرد محور چنین حاکمی عادل بچرخند و با تبعیت از او در همهٔ امور، از اختلاف و اضمحلال نیروها جلوگیری کنند. پس رهبری عادل بدین‌سان با بها دادن و ایجاد اسباب وحدت‌ساز و مبارزه با زمینه‌های وحدت‌ستیز می‌تواند جمعیتهای حق‌جو اما پراکنده را گرد خود جمع و بین آنان پیوند اخوت ایجاد کند و از آنان ید واحده بسازد.

4. روحیهٔ عدالتخواهی

چنانچه حاکمِ عدالت‌گستر با قوانین عادلانهٔ خویش حکومت تشکیل دهد، اما کارگزاران و مردم تبعیت نکنند و به دنبال تحقق و اجرای عملی برنامه‌های عدالت‌محور نباشند، هیچ‌گاه حکومت توفیقی در انسجام و یکپارچگی جامعه نخواهد داشت. لذا مطالبه و ارادهٔ جدّی تمامی افراد جامعه برای نهادینه کردن عدالت، در همهٔ امور و فعالیتهاست که زمینهٔ همگرایی در بین اقشار مردم را فراهم و از تضییع حقوق جلوگیری می‌کند. نبود عدالت اجتماعی بین مردم باعث تفرقه و هرج و مرج در نظام شده و در فضای غبارآلود هرج و مرج، کارها و فعالیتهای درست، متوقف می‌شود. حضرت علی(ع) قبل از جنگ صفین با نصیحت و خیرخواهی و یادآوری مشترکاتی چون ایمان به خدا و پیامبر و کتاب واحد، سعی فراوانی فرمودند تا این جنگ بین مسلمین واقع نشود؛ ولی اثر نکرد و به وقوع پیوست: «ما گفتیم که بیایید با خاموشی آتش جنگ و آرام کردن انبوه مردم، به چاره‌جویی و درمان بنشینیم تا کار مسلمانان قوام و انسجام یابد و ما برای اجرای حق و عدالت نیرومند شویم»(نهج‌البلاغه، نامه 58). آن حضرت در این بیان نورانی به رابطهٔ جدایی‌ناپذیر میان عدالت و وحدت تأکید داشته، که هرگاه جنگ و خونریزی و اختلاف فضای جامعه را غبارآلود کند، اجرای عدالت امکان‌پذیر نیست؛ اما وقتی مردمان با تکیه بر مشترکات و مؤلفه‌های وحدت‌آفرین، یکدل باشند و با آرامش و همدلی با یکدیگر زندگی کنند، می‌توان جلوی ظلم ظالم راگرفت و از مظلوم دفاع و عدالت را برقرار کرد.

www.SID.ir

Archive of SID

آن حضرت برای اینکه دیگران بدانند و بفهمند که در رعایت عدالت و اجرای آن تا کجا و به چه میزان باید ایستادگی کرد، ابتدا از خود شروع و با تمام وجود در کلامی، تبرّی خود را از ظلم، چنین بیان می‌فرمایند: «سوگند به خدا! اگر شب را روی خارهای سعدان بیدار به سر برم یا در غل و زنجیرها بسته و کشیده شوم، برایم محبوب‌تر است از اینکه خدا و رسولش را روز قیامت در حالی ملاقات کنم که به بعضی از بندگان ستم کرده و چیزی از اموال دنیا را غصب کرده باشم. چگونه به کسی ستم روا دارم، آن هم برای جسمی که تار و پودش به سرعت به سوی کهنگی پیش می‌رود(و از هم می‌پاشد) و مدتهای طولانی در میان خاکها می‌ماند»(نهج‌البلاغه، خطبهٔ 22؛ صدوق، 1376: 620). همچنین: «اگر اقلیمهای هفت‌گانه را با آنچه در زیر آسمانهاست به من دهند که خداوند را با گرفتن پوست جوی از دهان مورچه‌ای نافرمانی کنم، هرگز نخواهم کرد. این دنیای شما از برگ جویده‌ای که در دهان ملخی باشد، نزد من خوارتر و بی‌ارزش‌تر است».(همان: 623)

امیرالمؤمنین علی(ع) علاوه بر مراقبت نفسانی خویش در رعایت عدالت، برای ترویج و نهادینه کردن گفتمان عدالت‌ورزی، در توصیه‌ای به یکی از کارگزاران خویش که برای گرفتن خراج به برخی نواحی و شهرها فرستاده بودند، فرمودند: «اسْتَعْمِلِ الْعَدْلَ وَ احْذَرِ الْعَسْفَ وَ الْحَيْفَ فَإِنَّ الْعَسْفَ يَعُودُ بِالْجَلَاءِ وَ الْحَيْفَ يَدْعُو إِلَى السَّيْف»(نهج‌البلاغه، حکمت 476). عدالت را به کار گیر و از بی‌انصافی و بی‌عدالتی بر حذر باش که بی‌انصافی کردن با مردم آنان را آواره می‌کند و بی‌عدالتی به قیام مسلحانه وا می‌دارد. واژه‌های «عسف» و «حیف» هر دو به معنای ظلم و بیدادند. مفاد آن این است که اگر زمامدار در سرزمینی ظلم و بیداد پیشه کند، اولاً: مردم آن شهر و دیار ترک خانه و زندگی کنند و همین موجب خرابی و ویرانی آن زمین و شهر و دیار می‌شود؛ ثانیاً: ممکن است آن مردم از شدّت فشار و اختناق بشورند و انقلاب کنند و در آن صورت، دست حاکم به خون آلوده شود؛ علاوه بر آنکه خرابی هم به بار می‌آورد.(بحرانی، 1375، ج 5: 467)

حضرت در نامهٔ 41 نهج‌البلاغه در خطابی شدیداللحن به یکی از فرمانداران خود پس از اطلاع از تعدّی وی به حقوق بیت‌المال می‌فرمایند: «از خدا بترس و اموال آنان را بازگردان. اگر چنین نکنی و خدا مرا فرصت دهد تا بر تو دست یابم، تو را کیفر خواهم کرد، که نزد خدا عذرخواه من باشد، و با شمشیری تو را می‌زنم که به هر کس زدم، وارد دوزخ شد. سوگند به خدا! اگر حسن و حسین چنان می‌کردند که تو انجام دادی، از من روی خوش نمی‌دیدند و به آرزو نمی‌رسیدند تا آنکه حق را از آنان باز پس ستانم و باطلی را که به دستم پدید آمده، نابود سازم».(دشتی، 1379: 549)

از تعابیر بلند امام علی(ع) این حقیقت را به وضوح می‌توان دریافت که به منظور تحقق امت واحده و یکپارچگی جامعه، لازم است به مقولهٔ برقراری عدل و عدالت در جامعه به عنوان وظیفه‌ای عمومی و تکلیفی الهی و انسانی نگریسته شود و همهٔ آحاد جامعه، از حاکمان تا رعیت و خواص و عوام امت نسبت به تحقق و اجرای آن سهیم باشند و می‌بایست عدالتخواهی با خوانش علوی تبدیل به یک گفتمان و مطالبهٔ همگانی شود تا همصدایی اتفاق افتد. از طرفی، نفس همین همنوایی میان مردم برای حصول و تحقق

www.SID.ir

Archive of SID

عدالت، خود عاملی بسیار مؤثر برای وحدت است؛ زیرا همگان در پی تحقق هدف مشترکی‌اند. لذا امام به منظور دستیابی به وحدت میان مسلمین، در ترویج گفتمان عدالتخواهی و ایجاد روحیهٔ عدالت‌پذیری در میان مردم و کارگزاران حکومت، سعی فراوان و تلاشی بی‌وقفه داشته است.

بی‌شک این همه اصرار مولای متقیان بر ترویج گفتمان عدالت و این حد از جدیّت در رابطه با عدالت‌ورزی که شروعش از خود و نزدیکان خویش بود، همگی به منظور آن است که تعیین فعالیتها و اجرای برنامه‌های سعادت‌بخش مردم و جامعه، هر کدام به درستی در جای خود پیگیری و از خروج کارها از مسیر حق و عدالت جلوگیری شود. بی‌تردید در پرتو چنین جامعهٔ عدالتخواهی، نارضایتی‌ها و اختلافات و تفرقهٔ بین انسانها و گسست و فاصله میان طبقات و تبعیضهای ناصواب اجتماعی تقلیل می‌یابد. پس اگر گفتمان عدالتخواهی فراگیر و به مطالبهٔ عمومی منجر شود و تمامی آحاد جامعه، به خصوص حاکمان در ترسیم اهداف و سیاستگذاری‌های کلان خود و نیز شیوهٔ حکومتداری و کاربست آن، چه در مقام تقنین، چه در اجرای برنامه‌ها و فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و چه در امور قضایی، نظارتی و امنیتی، به جدّ در پی حاکمیت عدالت در همهٔ عرصه‌ها باشند؛ بی‌تردید شاهد آثار و برکات فراوانی همچون ایجاد وحدت و یکپارچگی بین آحاد جامعه خواهیم بود که این به نوبهٔ خود، منشأ و سرچشمهٔ فواید بی‌شماری است و از نابرابری، تبعیض، تفرقه و اضمحلال نیروها و ثروتها و شکست در مقابل دشمنان جلوگیری می‌کند.

هـ) بحث و نتیجه‌گیری

در این نوشتار با بررسی و واکاوی سخنان امیرالمؤمنین علی(ع) در خصوص رابطهٔ بین عدالت و وحدت، روشن شد که پیوند وثیقی بین مؤلفه‌هایی چون: تشکیل حکومت عادلانه، بهره‌مندی از قوانین عدالت‌محور، برخورداری از حاکم عدالت‌گستر و داشتن روحیهٔ عدالتخواهی با مقولهٔ انسجام و یکپارچگی بین افراد جامعه برقرار است. پر واضح است در پرتو چنین شاخصه‌هایی از عدالت، مواهب فراوانی برای مردم حاصل می‌شود که سرآمد آنها همدلی، اتحاد و یکپارچگی امت اسلامی و رخت بر بستن کدورت، تبعیض، هرج و مرج، تفرقه و اختلاف از جامعه است. در چنین فضایی، تمامی آحاد جامعه همچون اعضای پیکرهٔ انسانی در هماهنگی و سازواری با یکدیگر برای نیل به اهداف مشترک در تعامل خواهند بود و همچون ید واحد عمل خواهند کرد. پس در خوانش امیرالمؤمنین علی(ع)، جامعه‌ای که هم مبانی و اصول آن، هم اهداف و سیاستهای کلان و جزء آن و هم روش اجرای برنامه‌هایش بر پایه‌های عدالت بنا شده؛ دیگر عامل و بستری برای اختلاف و تفرقه بین مردم وجود ندارد، بلکه وحدت در تمام سطوح جامعه حاکم خواهد شد و در سایهٔ این وحدت و با حاکم شدن روحیه و فرهنگ برادری در بین مردم، به طور طبیعی انضباط اجتماعی، مواسات و مساوات برقرار؛ حکومت و دولت پایدار؛ زمینهٔ امنیت، توسعه و رفاه عمومی فراهم؛ عزت و اقتدار جامعهٔ مسلمین احیا و جامعهٔ علوی و تمدن اسلامی در سراسر گیتی شکل خواهد گرفت.

www.SID.ir

Archive of SID

منابع

- **قرآن کریم**.
- **نهج‌البلاغه**(صبحی صالح). محمد بن حسین شریف الرضی(1414 ق). قم: هجرت.
- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله (1404 ق). **شرح نهج‌البلاغه لابن أبی‌الحدید**. محقق: محمد ابوالفضل ابراهیم. قم: مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی(1404 ق). **تحف العقول**. قم: جامعهٔ مدرسین.
- امام خمینی، سید روح‌الله(1388). **ولایت فقیه**. تهران: مؤسسه نظم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- بحرانی، میثم بن علی بن میثم(1375). **شرح نهج‌البلاغه ابن میثم**. ترجمهٔ قربانعلی محمدی مقدم و علی‌اصغر نوایی صحرازاده. مشهد: بنیان پژوهشهای آستان قدس رضوی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد(1410 ق). **غرر الحکم و درر الکلم**. محقق سید مهدی رجایی. قم: دارالکتاب الاسلامی.
- جعفریان، رسول(1376). **حیات فکری و سیاسی امامان شیعه**. قم: انصاریان.
- جوادی آملی، عبدالله(1389). **جامعه در قرآن**. محقق: مصطفی خلیلی. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله(1386). **وحدت جوامع در نهج‌البلاغه**. محقق: سعید بندعلی. قم: اسراء.
- دشتی، محمد(1379). **ترجمه نهج‌البلاغه**. قم: مشهور.
- سبحانی، جعفر(1359). **معالم الحکومه الاسلامیه**. قم: مکتبه الامام امیرالمؤمنین(ع).
- صدوق، محمد بن علی ابن بابویه(1376). **الامالی**. تهران: کتابچی.
- صدوق، محمد بن علی ابن بابویه(1413 ق). **من لایحضر الفقیه**. محقق غفاری. قم: انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین(1417 ق). **المیزان فی تفسیر القرآن**. قم: انتشارات اسلامی جامعهٔ مدرسین.
- طبری، محمد بن جریر(بی‌تا). **تاریخ الطبری**. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. قاهره: دارالمعارف.
- فیض‌الاسلام، سید علینقی(1375). **ترجمه و شرح نهج‌البلاغه**. تهران: فیض‌الاسلام.
- کلینی، محمد بن یعقوب(1407 ق). **الکافی**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- لیثی واسطی، علی بن محمد(1376). **عیون الحکم و المواعظ (لیثی)**. محقق حسین حسنی بیرجندی. قم: دار الحدیث.
- مجلسی، محمدباقر(1403 ق). **بحارالانوار**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مصطفی ابراهیم و همکاران(1429 ق). **معجم الوسیط**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی(1374). **سیری در نهج‌البلاغه**. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی(1372). **عدل الهی**. تهران: صدرا.
- مفید، محمد بن محمد(1413 ق/ الف). **الإختصاص**. محقق: علی‌اکبر غفاری و محمود محرمی زرندی. قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
- مفید، محمد بن محمد(1413 ق/ ب). **الارشاد فی معرفه حجج‌الله علی العباد**. قم: آل‌البیت(ع).

www.SID.ir

Archive of SID

- مکارم شیرازی، ناصر(1375). **پیام امام؛ شرح تازه و جامعی بر نهج‌البلاغه**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- هاشمی خویی، میرزا حبیب‌الله(1400 ق). **منهاج البراعه فی الشرح النهج‌البلاغه**. محقق ابراهیم میانجی. تهران: مکتب الاسلامیه.
- هیوم، رابرت ارنست(1372). **ادیان زنده جهان**. ترجمه و توضیح عبدالرحیم گواهی. تهران: فرهنگ اسلامی.
- **Holly Qoran**.
- **Nahj al-Balaghah** (Sabhi Salih).Mohammad ibn Husayn Sharif al-Razi (1994). Qom: Hijra.
- Bahrani, Meysam bin Ali Ibn Maysam (1996). **Explanation of Nahj al-Balagha Ibn Mitham**. Translator: Ghorban Ali Mohammadi Moghadam and Ali Asghar Noavari Sahrazadeh. Mashhad: Astan Quds Razavi.
- Dashti, Mohammad (2000). **Translation of Nahj al-Balaghah**. Qom: Mahshor.
- Feyz Al-Islam, Seyyed Alinaghi (1996). **Translation and Explanation of Nahj al-Balaghah**. Tehran: Faizol-Islam Publications.
- Hashemi Khoei, Mirza Habibollah (1980). **Myhaj al-Baraafey SharhNahj al-Balagha**. Researche: Ebrahim Meyanji. Tehran: School of Islamic Studies.
- Hume, Robert Ernst (1993). **The World's Religions**. Translation and Explanation Abdul Rahim Guahi. Tehran: Islamic Culture Publication Office.
- Ibn Abi Al-Hadid, Abdelhamid (1994).**Description Nahj al-Balaghah**. Qom: The School of Ayatollah al-Marashi al-Najafi.
- Ibn Shobe Harrani, Hassan bin Ali (1984). **Tohaf Aloqul**. Qom: Community of Teachers.
- Imam Khomeini, Sayyid Ruhollah (2009).**Velayat Faqih**. Tehran: An Organization Organized and Published Antiquities in front of Khomeini (R).
- Jafarian, Rasul (1997). **Hayat Fikri and Siasi Iman Shaya**. Qom: Entsharat Ansarian.
- Javadi Amoli, Abdullah (2010). **The Society in Quran**. Researcher: Mostafa Khalili. Qom: Markaz Nashr Esra.
- Javadi Amoli, Abdullah (2007).**Unity of Communities in Nahj al-Balaghah**.Rresearcher Sa'id Band Ali. Qom: Center for the Publishing of Asra.
- Koleyni, Mohamad (1987). **AL-Kafi**. Rewriter: Ali Akbar Qafari. Tehran: Dar alkotob Aeslamiyah.
- Lytha Wasiti, Ali bin Mohammed. (1997). **Ayoun al-Hakam and other (al-Ili)**(of the al-Tithi). Investigator: Hosni Burgundy. Qom: Hussein Dar al-Hadith.
- Majlesi, Mohammad Bagher (1983). **Bahar Al-Anvar**. Beirut:Dar Ehya Al-Torath Al-arabi.
- Makarem Shirazi, Nasser (1996). **Message from Imam A New and Comprehensive Description on Nahj al-Balagha**. Tehran:Dar al-Kotob Al-Islami.
- Mostafa Ibrahim & Partners (2008). **Mojaj al-Wasith**. Beirut: Dar Ehya Al-TorathAl-Arabi.
- Motahhari, Morteza (1993). **Justice of God**. Tehran: Sadra Publishing House.

www.SID.ir

Archive of SID

- Motahhari, Morteza (1995). **Siri in Nahj al-Balaghah**. Tehran: Sadra Publications.
- Mufid, Muhammad Ibn Muhammad (1993). **Al-Ekhtesas**. Investigator: Ali Akbar Ghafari & Mahmoud Moharrami Zerandi. Qom:Al-Motamar Al-Alami Le-AlfeiyheSheikh Mufid.
- Mufid, Muhammad Ibn Muhammad (1993). **Al-Ershad**. Qom: The Institution of Al-'Abbat al-Islam.
- Sadough, Muhammad ibn AliIbn Babawayh (1988). **Alamali**. Tehran: The Book.
- Sadough, Muhammad ibn AliIbn Babawayh(1993). **Man laa yahzaru al-Faqih**. Investigator: Ghafari. Qom: Book of Islamic Propaganda.
- Sobhani, Jafar. (1980). **Ma'alam al-Hakumat al-Islamiyah**. Qom: Ma'tat al-Amam Amir al-Mu'minin (as).
- Tabataba'i, Seyed Mohammad Hussein (1997). **Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran**, Qom:Islamic Publications.
- Tabari, Mohammed bin Jarir (Be Ta). **History of Al-Tabari**. Research by Mohammad Abolfazl Ebrahim. Cairo: The Thesis.
- Tamimi Amedi, Abdul Wahid bin Mohammed (1990). **Gharr al-Hakam and Dhar al-Kalam**. Muhajqat Sayyid Mahdhi Rajai. Qom: Dar al-Kitab al-Islami.

www.SID.ir